

پیام ششم

اصل یک بودن با خدا همانگونه که در کتاب ارمیا آشکار شده است

مطالعه متون مقدس: پیدایش ۲: ۸-۹؛ ۱۶-۱۷؛

ارمیا ۲: ۱۳؛ ۱۵؛ ۱۶؛ ۱۹؛ ۲۳؛ ۵-۶؛ ۳۱؛ ۳۱-۳۴؛ ۴۰؛ ۵-۶؛ ۱۳-۱۴

۱. خواست خدا برای این که با انسان یک بوده و انسان با او یک باشد می تواند در شباهت خدا و انسان در صورت و همانندی، دیده شود:

آ. در خلقت خدا، چیزی به نام «نوع بشر» توسط خدا خلق نشد؛ بلکه آنچه خدا خلق کرد، مطابق نوع خودش بود، یعنی نوع-خدا؛ خدا انسان را با روحی از نفس حیات خلق کرد تا انسان بتواند با او تماس داشته و او را دریافت کند - پیدایش ۱: ۲۴-۲۶؛ ۷: ۲.

ب. در پیدایش ۱۸: ۲-۱۳ سه نفر به ابراهیم ظاهر شدند؛ یکی از این افراد مسیح بود - یهوه - و آن دو نفر دیگر فرشته بودند (۱۹: ۱)؛ این بدین معناست که خدا دو هزار سال پیش از جسم پوشیدنش، وقتی که با دوست خود ابراهیم ملاقات کرد، به عنوان انسان ظاهر شد - دوم تواریخ ۲۰: ۷؛ اشعیا ۴۱: ۸؛ یعقوب ۲: ۲۳.

پ. فرشته یهوه (خدا، یهوه، مرد خدا - مسیح) قبل از جسم پوشیدن مسیح، به مانوخ و همسرش ظاهر شد - داوران ۱۳: ۳-۶، ۲۲-۲۳.

ت. دانیال قبل از جسم پوشیدن مسیح، بپوشی از مسیح به عنوان پسر انسان را دید؛ بر طبق دانیال ۷: ۱۳-۱۴، دانیال پسر انسان را دید که با ابرهای آسمان می آمد، و او حتی نزد قدیم‌الایام - خدای ابدیت - رسید و او را به حضور وی آوردند؛ حکومت و جلال و پادشاهی به او داده شد، تا تمامی قومها و ملتها و زبانها او را خدمت کنند؛ حکومت او حکومتی است جاودانه و بی‌زوال، و پادشاهی او زایل نخواهد شد.

ث. آدم یک نماد، یک نشانه، از مسیح بود - رومیان ۵: ۱۴.

ج. مسیح صورت خدای نادیده است - کولسیان ۱: ۱۵.

چ. کلمه (خدا) جسم شد (یوحنا ۱: ۱۴)، به شباهت جسم گناه آمد (رومیان ۸: ۳) ولی دارای گناه جسم نبود (دوم قرنیتیان ۵: ۲۱؛ عبرانیان ۴: ۱۵).

ح. مسیح، که شکل خدا را دارد، شکل یک غلام را برگرفت، به شباهت انسان درآمد و در جسم پوشیدن خود، در سیمای بشری یافت شد - فیلیپیان ۲: ۶-۸.

خ. استیفان آسمانها را گشوده و پسر انسان - مسیح - را بر دست راست خدا دید (اعمال ۷: ۵۶)؛ این نشان می دهد که پس از صعود مسیح به آسمانها، او [مسیح] هنوز پسر انسان است (رجوع به سرود ۱۳۲).

د. در متی ۲۶: ۶۴ خداوند عیسی گفت: «پسر انسان را خواهید دید که به دست راست قدرت نشسته، بر ابرهای آسمان می آید»؛ این نشان می دهد که وقتی خداوند عیسی بازگردد، او هنوز پسر انسان خواهد بود.

ذ. در رومیان ۸: ۲۹ پولس به ما می گوید که کسانی که خدا آنها را از پیش می شناخت (ما ایمانداران)، همچنین از پیش معین فرمود تا همشکل صورت پسر او شوند، تا او بتواند نخست زاده از میان برادران بسیار باشد؛ توسط رستاخیزش که ما را برادران بسیار خود کرد، ما به نوعی جدید مبدل می شویم، «نوع خدا-انسان».

ر. دوم قرنیتیان ۳: ۱۸ می گوید، «همه ما که با چهره بی نقاب، جلال خداوند را، چنانکه در آینه ای، می نگریم، به صورت همان تصویر، از جلال به جلالی فزونتر دگرگون می شویم؛ و این از خداوند سرچشمه می گیرد که روح است»؛ رومیان ۱۲: ۲ از دگرگون شدن ما توسط نو شدن ذهن می گوید.

ز. فیلیپیان ۲: ۱۵ از بی پیرایه و بی آرایش بودن ما چون فرزندان بی عیب خدا در بین نسلی کج رو و منحرف، که در میانشان همچون ستارگان در این جهان می درخشیم، می گوید.

ژ. خداوند عیسی با نیرویی که وی را قادر می سازد تا همه چیز را به فرمان خود درآورد، بدنهای حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا همشکل بدن پر جلال او شود - فیلیپیان ۳: ۲۱.

س. وقتی مسیح ظهور کند، ما به طور کامل و مطلق مانند او خواهیم بود، چون او را چنانکه هست خواهیم دید

– اول یوحنا ۳: ۲.

ش. همه این امور، در اورشلیم نو به کمال می رسد؛ مکاشفه ۴: ۳ می گوید: «آن تخت نشین [خدا]، ظاهری چون سنگ یشم داشت»، ظاهر خدا، همان تخت نشین، چون یشم است.

ص. بر طبق مکاشفه ۲۱، نور اورشلیم نو مانند گوهری بسیار گرانبهاست، همچون سنگ یشم (آ. ۱۱۰)؛ دیوار شهر از یشم ساخته شده بود، و پی اول دیوار نیز از یشم بود (آ. ۱۸، آ. ۱۹):

۱. عاقبت، خدا و انسان، انسان و خدا، همه ظاهر یشم را خواهند داشت؛ پس پایان و تکامل کتاب مقدس، اورشلیم نو است – در هم آمیختن الوهیت با انسانیت؛ الوهیت تبدیل به محل سکونت انسانیت شده، و انسانیت خانه الوهیت می شود.

۲. در این شهر، جلال خدا در انسان به طور درخشان و پرشکوه ظاهر می شود؛ اکنون ما در مرحله الهی-شدن هستیم تا اورشلیم نو شده، و ظاهری یکسان با خدا داشته باشیم – ظاهر یشم (آ. ۱۱، ۲۳).

۳. در پایان این عصر، ما این حقیقت که خدا انسان شد تا انسان را خدا، مثل خودش در حیات و ذات اما نه در هستی خدا، کند، را تعلیم و بشارت می هیم؛ شنیدن این حقیقت، برکتی بزرگ است.

۴. عاقبت، خدا-انسانها همان فاتحان، پیروزمندان، یعنی صهیون در درون اورشلیم، خواهند بود؛ داشتن یک زندگی خدا-انسان گونه در تمام جزئیات زندگی روزانه ما، موجب احیای نو خواهد شد که تاکنون هرگز در تاریخ دیده نشده است، و این احیا، به این عصر پایان خواهد داد – رجوع به مزامیر ۴۸: ۲ و زیرنویس ۱.

۲. کتاب ارمیا به ما اصل یک بودن با خدا را نشان می دهد:

آ. اصل یک بودن با خدا، که اصل درخت حیات بوده، و بر ضد اصل درخت دانش خوب و بد است، در ارمیا ۲: ۱۳ دیده می شود، که دو گناه اصلی مردم خدا را آشکار می کند:

۱. اولین گناه، ترک کردن خدا به عنوان سرچشمه، منشأ آب حیات [آب های زنده] بود؛ دومین گناه، کندن آب انبارهای ترک-خورده برای خودشان بود که آب را نگاه نتوانند داشت.

۲. اصل در کتاب مقدس این است که خدا نمی خواهد مردم برگزیده اش هیچ چیز غیر از خودش [خدا] را به عنوان منشأ خود برگیرند؛ با قرار دادن انسان در برابر درخت حیات، که نشانگر خدا به عنوان حیات است، خدا نشان داد که می خواهد انسان از درخت حیات، و نه از هیچ چیزی دیگر، برخوردار شود؛ برخوردار شدن از درخت حیات، این است که خدا را به عنوان یگانه منشأ خود برگیریم، به عنوان منشأ همه چیزمان – پیدایش ۲: ۸-۹.

۳. دومین گناه این بود که مردم خدا به خودشان و نه به خدا اعتماد داشتند که تمام سعی خود را بکنند تا کاری از طریق خودشان را برای لذت خود انجام دهند؛ گناه، ترک کردن خدا و کاری توسط خودمان و برای خودمان انجام دادن است.

۴. این دو گناه اصلی به ما درخت حیات، که نشانگر خدا، و درخت دانش خوب و بد، که نشانگر شیطان است را نشان می دهند (آ. ۸-۹، ۱۶-۱۷)؛ اسرائیل از درخت حیات به درخت دانش منحرف شد، یعنی از سرچشمه آب حیات به آب انبارها (بت ها).

ب. خدا انسان را در برابر درخت حیات قرار داد، این خواست او برای یکی شدن با انسان، یعنی حیات، تأمین حیات و همه چیز برای انسان بودن، را نشان می دهد – آ. ۸-۹:

۱. درخت حیات نشانگر مسیح مصلوب (که دلالت دارد بر دار یا تکه چوبی از درخت – اول پطرس ۲: ۲۴) و رستاخیز-کرده (که دلالت دارد بر حیات خدا – یوحنا ۱۱: ۲۵) است، یعنی مسیح، که تجسم تمام غنای خداست، به عنوان غذای ما.

۲. خوردن درخت حیات، یعنی مسرت بردن از مسیح به عنوان تأمین حیات ما، باید نخستین [مهمترین] مورد در زندگی کلیسایی ما باشد؛ دریافت مسیح توسط خوردن او این است که توسط در هم آمیختن به طور زنده و سوخت و سازی با مسیح، اجازه دهیم که او در درون وجودمان هضم گردد – مکاشفه ۲: ۷؛ یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳:

- (آ) سخنانی که خداوند می‌گوید روح و حیات هستند؛ این نشان می‌دهد که کلام سخن گفته-شده خداوند، تجسم آن روح حیات هستند - آ. ۶۳:
- (۱) او اکنون آن روح حیات بخش در رستاخیز است (اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵)، و آن روح، در کلام او تجسم یافته است.
- (۲) وقتی که ما کلام او را به وسیله همه نوع دعا و درخواست، توسط بکار بردن روحمان، دریافت می‌کنیم، روح، که حیات است، را دریافت می‌نماییم.
- (ب) خوردن مسیح همان خوردن کلام اوست، یعنی دریافت کلام او، که تجسم روح حیات می‌باشد، توسط بکار بردن روحمان - ارمیا ۱۵: ۱۶؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ اول پطرس ۲: ۲؛ عبرانیان ۵: ۱۳-۱۴؛ حزقیال ۳: ۱-۴.

۳. برای برگرفتن، دریافت کردن، و نگاه داشتن کلام خدا، ما باید به طور مطلق با او یک باشیم:

- آ. شرح حال جدلیا، سرگذشت شخصی است که با خدا یک نبود؛ گرچه جدلیا در مراقبت از ارمیا، نبی خدا، امین بود ولی جویای کلام خدا نبود، زیرا این عادت او نبود - ارمیا ۴۰: ۵-۶، ۱۳-۱۴:
۱. جدلیا خدا را به عنوان منشأ خود برنگرفت تا با او یک بوده، و هرآنچه از او صادر می‌شد را دریافت کند؛ اگر او شخصی می‌بود که با خدا یک بود، اولین کاری که می‌کرد این بود که کلام خدا را دریافت نماید.
 ۲. ما برای برگرفتن، دریافت کردن، و نگاه داشتن کلام خدا به عنوان ابراز اندیشه، اراده، خواسته قلبی، و خشنودی خدا، باید به طور مطلق با خدا یک باشیم، به او اعتماد کنیم، بر او تکیه نماییم، و دارای هیچ عقیده‌ای که حاصل نفس است نباشیم - دوم قرن‌تین ۱: ۸-۹؛ آ ۱۲، زیرنویس ۲.
 ۳. اصل در کتاب مقدس، بخصوص در عهد جدید، این است که خدا خودش را به ما باز می‌کند تا ما بتوانیم در او وارد شده، او را دریافت کنیم، و با او یک شویم؛ سپس او در ما بوده، ما در او خواهیم بود، و او را به عنوان همه چیزمان بر می‌گیریم - یوحنا ۱۵: ۴-۵؛ اول یوحنا ۲: ۲۸؛ ۲۴: ۳.
 ۴. اولین موردی که بر خواهیم گرفت، کلام او به جهت ابراز اندیشه، اراده، خواسته قلبی و خشنودی اوست؛ ما به عقاید یا ترجیحات خود اهمیت نخواهیم داد؛ ما از این طریق، برای بیان کردن او به دیگران به جهت تأمین ایشان، تبدیل به دهان او می‌شویم - ارمیا ۱: ۶-۹.
- ب. خداوند به ارمیا گفت: «اگر از نفایس سخن بگویی و نه از چیزهای باطل، / مانند دهان من خواهی بود» - ۱۹: ۱۵:
۱. لازم است چشم دل ما روشن شود تا برتری، برجستگی عالی، ارزش فوق العاده مسیح را به عنوان آن محبوب ارزشمند برای ایماندارانش ببینیم تا مسیح را به دست آوریم، و همه چیزهای دیگر غیر از مسیح را زیان بدانیم - فیلیپیان ۳: ۷-۸؛ اول پطرس ۲: ۷؛ آ. ۴، ۶.
 ۲. ما باید برای کلام خداوند بیش از غذای اختصاصی خود ارزش قائل شویم، خداوند را به عنوان واقعیت سرزمین نیکو که با شیر مغذی و غسل تازه جاری است، در کلامش بچشمیم برای توزیع به مردم خدا به جهت نجات کامل آنان - ایوب ۲۳: ۱۲؛ اول پطرس ۲: ۲-۵؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۰۳.
 ۳. ما باید ارزش کلام خداوند را بیشتر از تمام ثروت‌های زمینی بدانیم تا بتوانیم برای توزیع غنای کاوش ناپذیر مسیح به عنوان فیض گوناگون به همه مقدسین، وحی خدا را بگوییم (سخن گفتن خدا، بیان خدا، که مکاشفه الهی را نقل می‌کند) - مزامیر ۱۱۹: ۷۲، ۹-۱۶؛ افسسیان ۳: ۸؛ دوم قرن‌تین ۶: ۱۰؛ اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱.

۴. رمز شکست‌ها و باخت‌های اسرائیل این بود که آنها حضور خدا را از دست داده، و دیگر با خدا یک نبودند (یوشع ۷: ۳-۴؛ ۹: ۱۴)؛ ما باید همیشه با خدایمان، که نه تنها در بین ما بلکه در ما است، یک باشیم، این ما را افراد با خدا می‌سازد - خدا-انسان‌ها:

- آ. ما به عنوان خدا-انسان‌ها باید یک بودن با خداوند را تمرین کنیم، با او راه رویم، او را زیست کنیم، و با همه وجودمان با او باشیم (رومیان ۸: ۴؛ دوم قرن‌تین ۲: ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱۶، ۲۵)؛ این راه قدم برداشتن به عنوان

یک مسیحی، جنگیدن به عنوان فرزند خدا، و بنا ساختن بدن مسیح است؛ اگر ما حضور خدا را داریم و با او یک هستیم، حکمت، بصیرت، پیش‌بینی، و شناخت درونی دربارهٔ امور داریم؛ حضور خداوند برای ما همه چیز است.

ب. سماجت فرزندان اسرائیل در گناه ورزیدن بر ضد خدا، به دلیل یک نبودن آنها با خدا بود (ارمیا ۴۲: ۱-۲: ۴۳)؛ اگر آنها با خدا یک می‌بودند، کلام خدا را دریافت کرده، قلب، ذات، ذهن و مقصود خدا را می‌شناختند؛ علاوه بر این، آنها خودبخود او را زیست کرده و با او ترکیب می‌شدند تا شهادت او بر روی زمین باشند.

پ. کسانی که با خدا یک نیستند ارادهٔ نیکوی او را بر نمی‌گیرند ولی عقاید خود را ابراز کرده و ترجیحات خود را دنبال می‌کنند؛ این کار به معنای ترک خدا به عنوان منشأ، سرچشمهٔ آب حیات، و کندن آب‌انبارهای ترک خورده که آب را نگاه نتوانند داشت، است - ۲: ۱۳.

۵. ما برای یک بودن با خدا، به مسیح به عنوان شاخهٔ داوود نیاز داریم تا بازخرید و عادل شمرده شدن ما باشد؛ این، خدای سه‌یکتا را به درون ما می‌آورد تا حیات، قانون درونی حیات، ظرفیت و همه چیز برای ما باشد تا خودش را به درون وجودمان به جهت اجرای اقتصادش توزیع کند؛ این عهد جدید است (۳۱: ۳۳)؛ عاقبت، ما خدا را شناخته، زیست خواهیم کرد، و خدا در حیات و ذات اما نه در هستی خدا، خواهیم شد، تا به عنوان اورشلیم نو ابراز جمعی او شویم - ۲۳: ۵-۶؛ ۳۱: ۳۱-۳۴؛ مکاشفه ۲: ۲۱.